

نقش هنر در آینده پژوهی

الهام سهامی، مدیر رصدخانه علم و فناوری شاخص پژوه

مفهوم آینده پژوهی

آینده پژوهی مشتمل بر مجموعه تلاش‌هایی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغییر و یا ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه ریزی برای آنها می‌پردازد. آینده پژوهی منعکس می‌کند که چگونه از دل تغییرات (یا تغییر نکردن) "امروز"， واقعیت "فردا" تولد می‌باید (بل، ۲۰۰۳). آینده‌پژوهی می‌تواند به ما کمک کند تا در گیر امروز نشویم و آینده را بهتر بررسی کنیم. تردیدی نیست که برای موفق شدن در آینده نمی‌توان با سود و دانش و مهارت امروز به استقبال آینده رفت و برای اینکه بتوان مجهر به مهارت‌های آینده شد، نیازمند شناخت صحيحي از آينده هستيم. در نيم قرن اخير، شمار زيادي از محققان آينده پژوهی، آثار چشمگيری را رقم زده اند. على رغم اين آثار متعدد، برداشت‌های نادرست از اين پژوهش‌ها در حوزه‌های آموزشی، تخصصی و سياسی و حتى فراتر از آن يعني در رسانه‌های رايچ می‌باشند. اين برداشت‌های نادرست شامل اين باور می‌شود که آينده پژوهی عمدتاً يا ماهیت «پيشگویی» و «پيش‌بینی» داشته و يا چيزی فراتر از «حدس و گمان‌های نسجیده» نمی‌باشد چرا که آينده غير قابل شناسايی است. اگرچه برخی از متخصصين اين حوزه خود را آينده نگر می‌نامند، و صرفًا به روش‌های حدسی و نظری متکی می‌باشند و عوام گرایان نیز به تصورات نظری نسبجیده معطوف می‌شوند، اما این تصور خارج از کل ماجرا خواهد بود.

آینده و انواع آن:

بسیاری از اندیشمندان، آینده‌پژوهی را شاه علم یا CoinofScience میدانند. آینده پژوهی حتی در مفروضهای عام خود هم پُرکاربردترین دانش است.

به این دلیل که دانشی تقویت کننده و توأم‌ندساز است که می‌کوشد حوزه‌های مختلف را در قالب آینده‌های ممکن و مطلوب، برای شناسایی وضعیت گذشته، حال و آینده‌شان توأم‌ند کند. موضوعات آینده پژوهی در برگیرنده گونه‌های "ممکن"، "محتمل" و "مطلوب" برای دگرگونی از حال به آینده می‌باشند.

آینده‌های محتمل (Probable): که در ارتباط با بروزن یابی روند، یا به اصطلاح پیش‌بینی هستند و اغلب ممکن است به اشاعه ترس، نامیدی، و بدینی در میان قشر جوان جامعه بیانجامند.

آینده‌های ممکن (Possible): که مربوط به تخیل، تفسیر و خیال پردازی و تصاویر آرمان گرایانه و گاه ویران گرایانه است و در این حالت علم یک محرك خوب محسوب می‌شود.

هر آینده فرضی که در مخيله انسان بگنجد و عقل انسان امکان وقوع آن را تصدیق کند. آینده‌های ممکن، گاهی به سال‌های دور تعلق دارند و در زمرة اینده‌های تصویر پردازانه به شمار می‌آیند.

داستان‌های علمی -تخیلی ژول ورن در قرن نوزدهم و عموم داشتن‌ها و فیلم‌های علمی -تخیلی که امروزه نوشته و یا ساخته می‌شوند، در زمرة اینده‌های ممکن قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر هر چیزی اعم از خوب یا بد، محتمل یا بعدی، می‌تواند در آینده ممکن رخ دهد.

آینده‌های مطلوب (Preferred): که مرتبط به ارزش‌های هنجاری است به طوری که نقد وضع موجود هم در این چشم انداز اغلب امری ذاتی است.

آینده‌ی مطلوب، گاهی همان چشم انداز است، ولی لزوماً همه‌ی آینده‌های مطلوب متراffد با چشم انداز نیستند. به عبارت دیگر آنچه مطلوب ترین و مرجح ترین رویداد آینده به شمار می‌رود. (گیدلی، ۲۰۱۵)

آینده پژوهی معادل لغت لاتین "Futures Studies" است. کلمه Futures به این دلیل استفاده شده است که با بهره گیری از طیف وسیعی از متداول‌زیها و بحای تصور "فقط یک آینده"، به گمانه زنیهای سیستماتیک و خرد و رزانه، در مورد نه فقط "یک آینده" بلکه "چندین آینده متصور" مبادرت می‌شود. در همین حال، در یک تعریف ساده و در عین حال بسیار ژرف، آینده پژوهی "علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا" عنوان شده است (ملکیفر، ۱۳۸۵). در این تعریف رسا، سه مؤلفه کلیدی وجود دارد. اول آنکه آینده پژوهی تنها یک علم صرف نیست، بلکه تلفیقی از علم و هنر است. مؤلفه مهم دیگر اشاره به "کشف آینده" است، در واقع در اینجا تأکید بر شناسایی و کشف آینده بر مبنای روابط علیو و معلومی معینی می‌باشد. اینجا سخن از حدس و گمان بر مبنای جهل و نا‌آگاهی نیست، بلکه شناخت بر اساس روند داده‌های گذشته، شناسایی سیگنال‌های تغییر کنونی و وضعیت‌های محتمل و قابل رخدادن در آینده است. مؤلفه سوم و بسیار حائز اهمیت در این تعریف "شكل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا" است. این مؤلفه کلیدی نشانگر آن است که آینده پژوهی در صدد است تا پارافراتر از پیش‌بینی و کشف آینده گذارده و بر شکل‌دادن به آینده تأکید نماید؛ آینده‌ای که مدنظر و مطلوب برنامه ریزان آن باشد، به دیگر سخن، ساختن آینده به گونه‌ای که مطلوب و دلخواه است (بل، ۲۰۰۳).

در شناخت آینده پژوهی، مهم ترین مسئله‌ای که باید مد نظر قرارداد این است که آینده پژوهی به پیش‌بینی قطعی آینده نمی‌پردازد و در واقع مهم‌ترین کاری که آینده پژوهی انجام می‌دهد، شناسایی مهم ترین عوامل شکل دهنده آینده و به نوعی بازیگران کلیدی آینده و شناسایی چالش‌ها و موضوعات پیش رو در آینده و ارائه راهکارهای مناسب جهت برخوراد با آنها و برنامه ریزی جهت تقویت مؤلفه‌های مطلوب و پیش‌گیری از تحقیق آینده‌های نامطلوب اشاره دارد. آینده پژوهی "علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا" است. به عبارت بهتر به نوعی از آینده پژوهی می‌توان به عنوان مدیریت آینده تعیین نمود.



کاربرد آینده پژوهی و نقش آن در هنر:

آینده پژوهی در ایران در ابتدای یک مسیر طولانی است و مهم ترین فعالیت‌هایی که درخصوص آینده پژوهی باید شکل بگیرد، ترویج فرهنگ آینده پژوهی در تمام زمینه‌ها و رشتہ‌ها می‌باشد. امروزه در کشور حركت‌هایی در حوزه آینده پژوهی صورت گرفته که همه جانبه و قدرتمند نبوده است. آموزش آینده پژوهی و ترویج آن به عنوان یک فرهنگ عمومی مهم ترین اقدام عملی است که باید در کشور صورت گیرد.

آینده پژوهی در ایران مفهومی است که نه تنها در قشر دانشگاهی و حتی مدیران باید شکل گیرد، بلکه باید در عموم اقشار جامعه (از کودکان تا بزرگسالان) ترویج و آموزش داده شود. این در حالی است که هنر به عنوان ابزاری بی بدل در ترویج فرهنگ آینده نگری و آینده پژوهی قابل کاربرد خواهد بود. همان گونه که اشاره شد در تعریف انواع آینده، دو گونه آینده محتمل و مطلوب از جمله انواع آینده است که به لحاظ مفهومی ارتباط نزدیکی با آرمان شهر، مدینه فاضله و یا اوتوپیا، به نوعی آینده مطلوب در فلسفه و هنر خواهد داشت و هنر قوی ترین ابزار برای ترسیم آینده مطلوب خواهد بود.

به طور مثال در راستای تحقق چشم انداز ۱۴۰۴ و مردمی شدن و فراغیر شدن آن، هنر بهترین ابزاری است که باید به یاری مسئولان و مجریان امر شتابد ساخت فیلم، نقاشی، گرافیک، شعر و داستان و سایر هنرها از جمله شیوه‌های عملیاتی است که در راستای ترسیم ایران ۱۴۰۴ اثربخش عمل خواهد کرد.

لازم به ذکر است در تمامی دنیا نیز همواره هنر ابزار قوی و شگفت‌انگیزی برای ترسیم آینده مطلوب جهان از منظر کشورهای مختلف بوده است، پس تردیدی نیست با توجه به جایگاه رفیع هنر در جامعه ایرانی اسلامی به ویژه اینکه این هنر همواره تعالی گرا بوده است، باید توجه ویژه‌ای به مقوله هنر و بهره‌گیری از این فناوری نرم در راستای گسترش فرهنگ سازی و کاربردی نمودن آینده پژوهی داشته باشیم.

آینده پژوهی یک میدان عمل چند بخشی، فرا رشته‌ای و فراملی به حساب می‌آید که هزاران نفر از دانشگاهیان و پزشکان و بسیاری از فعالان در سطح جهانی را شامل می‌شود. اگرچه سرعت کاربرد اصطلاح «آینده» در گفتمان آموزشی و سیاست رو به افزایش است، اما حجم گسترشده‌ای از اطلاعات ارائه شده توسط محققین، در رسانه‌ها و دانشگاه‌ها هنوز مورد چشم پوشی و سوء تعبیر واقع شده‌اند.

حوزه کاربرد آینده پژوهی بسیار گسترده و به تعبیری مشمول تمامی رشتہ‌ها و شاخه‌های مختلف می‌باشد و به یقین می‌توان بیان داشت هیچ موضوع و یا رشتہ‌ای نیست که نیازمند طرح مباحثی چون آینده پژوهی نباشد. با این حال بسته به نوع موضوع و میزان اهمیت، کاربرد این مبحث (آینده پژوهی) متفاوت است. به طور مثال در بحث علوم انسانی و حتی هنر باید این نکته را مدنظر قرارداد که آینده پژوهی فی نفسه در زمرة رشتہ‌های علوم انسانی است و علوم انسانی از عرصه‌های بسیار مهم است. به لحاظ اهمیت مباحثی چون فرهنگ و حتی سبک زندگی بشریت و عوامل اجتماعی و سیاسی، ضرورت طرح مسائل آینده پژوهی در این حوزه‌ها بیش از پیش روشن می‌گردد. فرهنگ و اجتماع دو کلیوازه عمده‌ای است که آینده‌تمدن بشتری به آن تکیه دارد؛ یعنی اگر در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی و به طور خاص در عرصه علوم انسانی بیشتر نکرده باشیم، علم و فناوری وبال می‌شود!

چراکه به طور مثال ظهور یک تکنولوژی جدید، مثل نرم افزارهای ارتباطی قابل استفاده در تلفن همراه و یا ظهور گسترش شبکه‌های اجتماعی که معمولاً اثرات فرهنگی اجتماعی بر سبک زندگی افراد دارد، اگر قبل از بروز این تکنولوژی، جنبه‌های آینده پژوهی و آینده نگاری استفاده از این تکنولوژی به لحاظ فرهنگی اجتماعی در نظر گرفته نشود، ممکن است اثرات محرابی بر روی تغییر سبک زندگی و یا فرهنگ خواهد گذاشت.